دولت در پرونده هسته ای کوتاهی نکرد

تداوم حمایت اصلاح‌طلبان از پزشکیان

عکس: president.ir

سیاست

استفاده تروئیکای اروپا از مکانیسم ماشه و فعال کردن مجدد قطعنامه‌های تحریمی سازمان ملل علیه ایران به عنوان ابزار فشار امریکا و کشورهای اروپایی متحدش علیه جمهوری اسلامی ایران، اتفاقی بود که در داخل کشور به طرح مجدد بحث‌هایی تاریخی دامن زد. این بحث‌ها به این گونه بود که آنان که یک دهه مخالف برجام بودند؛ حالا در پایان عمر رسمی آن توافق، خواستار امتداد همان عوایدی هستند که از مسیر تلاش برای مذاکره و توافق جست‌وجو می‌شد. طیفی از جریان مقابل هم بی توجه به همه تلاش‌های دیپلماتیکی که دولت به نمایندگی از ملت ایران و حتی فراتر از آن، با ایجاد همگرایی بر سر مسائل خارجی در داخل، انجام داد تا راه را بر «اسنپ بک» سد کند؛ در وقوع این رویداد انگشت اتهام را به سمت دولتی گرفتند که از هر سو وارث وضعیت موجود حساب می‌شد. این وضعیت اما طرح دو پرسش را از فعالان سیاسی ضروری ساخت.

اول اینکه آیا دولت و مشخصاً رئیس جمهوری در انجام تلاش‌های دیپلماتیک و پیشبرد اهداف آن مرتکب قصور شده است؟ و پرسش دیگر اینکه اکثریت فعالان سیاسی در وضعیت اخیر چه رویکردی نسبت به دولت در پیش می‌گیرند؟ اینها پرسش‌هایی است که «ایران» از سه فعال سیاسی اصلاح‌طلب پرسید.

یادداشت

اسنپ‌بک؛ محصول سیاست‌های خصمانه غرب

محمدعلی ابطحی
عضو مجمع روحانیون مبارز

در ماجرای اخیر موسوم به «اسنپ‌بک»، بر خلاف برخی تحلیل‌ها، به هیچ وجه دولت و شخص آقای پزشکیان را مقصر نمی‌دانم. مقصر اصلی را باید در رفتار خصمانه و ماهیت سلطه‌گرانه آمریکا و رژیم صهیونیستی جست‌وجو کرد. تجربه نشان داده است دشمنان خارجی ما همواره به دنبال ایجاد مانع در مسیر پیشرفت و ثبات کشور بوده‌اند و طبیعی است که چنین اتفاقاتی، بیش از آنکه ریشه در تصمیمات داخلی داشته باشد، محصول سیاست‌های خصمانه آنان است.

با این حال، اگر قرار بر پیگیری جدی و ریشه‌ای باشد، باید نگاه را صرفاً محدود به یک سال اخیر نکرد، بلکه به روندی در طول یک دهه گذشته توجه داشت. متأسفانه در دهه‌های گذشته به جای آنکه در قبال شکست‌ها و فشارهای آمریکا و مخالفان خارجی برجام، جبهه‌ای واحد تشکیل دهیم و فشارها را متوجه دشمنان بیرونی کنیم، دعواها را به درون کشاندیم و از آن به‌عنوان ابزاری برای رقابت‌های جناحی و حزبی استفاده کردیم. همین مسأله موجب شد انرژی ملی ما به جای تمرکز بر مقابله با دشمن، صرف اتهام‌زنی‌های داخلی شود.

در این شرایط، نباید فراموش کرد که متهم اصلی همواره استعمار آمریکایی و صهیونیسم جهانی است. البته اصلاح‌طلبان بر این باورند که تداوم و تقویت دیپلماسی می‌تواند گره‌گشای بحران‌های کنونی باشد.

نکته مهم آن است که همه نگاه‌ها به آقای پزشکیان دوخته شده است و انتظار می‌رود او همچنان محور این تلاش‌ها باشد. هرچند شاید این‌طور به نظر برسد که توقعات و انتظارات از دکتر پزشکیان بالاست، اما واقعیت این است که پشت رئیس جمهوری خالی نخواهد ماند و جریان‌های سیاسی کشور با وجود تفاوت دیدگاه‌ها، در بزنگاه‌های حساس از دولت در برابر دشمنان خارجی حمایت خواهند کرد.

دولت‌ستیزی و واقعیت سیاست خارجی

احمد شیرزاد
استاد دانشگاه و فعال سیاسی

در سال‌های اخیر پدیده‌ای در فضای سیاسی و رسانه‌ای کشور شکل گرفته است که من نام آن را «دولت‌ستیزی» و گاهی «وزیرخارجه‌ستیزی» می‌گذارم. به این معنا که هرگاه مشکلی در حوزه سیاست خارجی پیش می‌آید، بلافاصله انگشت اتهام به سمت دولت یا وزیر امور خارجه نشانه می‌رود؛ گویی تمام ناکامی‌ها تنها محصول تصمیمات داخلی یا شیوه مذاکره مسئولان کشور است. این نگاه یک‌سویه و تقلیل‌گرایانه غفلت از واقعیتی بزرگ‌تر است: سیاست خارجی یک معادله دوطرفه است. به این معنی که در هر مذاکره و تعاملی، یک سوی ماجرا ایران است و سوی دیگر قدرت‌هایی قرار دارند که یا مخالفند یا دشمنی آشکار دارند.

موضوع مذاکره اساساً همین اختلافات و تنش‌هاست. بنابراین کافی نیست که یک طرف یعنی ایران، اراده و آمادگی برای توافق داشته باشد بلکه موفقیت مذاکرات در گرو آن است که طرف مقابل نیز در فضای توافق قرار گیرد.

اما شرایط امروز بویژه پس از جنگ اخیر رژیم اسرائیل علیه ایران نشان داد طرف اصلی ما، یعنی ایالات متحده آمریکا، نه‌تنها در فضای توافق نیست بلکه همچنان بر طبل زیاده‌خواهی می‌کوبد. آنان با توهم قدرت‌نمایی تصور می‌کنند می‌توانند با فشار حداکثری و تحمیل خواسته‌های یک‌جانبه، ایران را وادار به تسلیم کنند.

مشکل دقیقاً همینجاست که آمریکایی‌ها هیچ‌گاه خطوط توافق را شفاف بیان نمی‌کنند، بلکه همه چیز را به گونه‌ای کلی مطرح می‌کنند که معنایش چیزی جز تسلیم مطلق ایران نیست؛ چنین رویکردی نه عقلانی است و نه با روحیه و عزت ملت ایران سازگار. واقعیت آن است که ملت ایران و نمایندگانش هیچ‌گاه حاضر نخواهند شد در چنین شرایطی سر تعظیم فرود آورند. اگر قرار به توافق باشد، باید موضوعات مشخص، روشن و قابل ارزیابی روی میز قرار گیرد.

اکنون همه می‌دانند که طرف آمریکایی بر سر اصل توافق نیست، در حالی که هم دولت ایران و هم نهادهای مؤثر در سیاست خارجی، عزم خود را برای کاهش تنش‌ها و ایجاد فضایی آرام‌تر در عرصه اقتصادی و سیاسی کشور نشان داده‌اند. در این وضعیت تنها راه پیش رو، مقاومت، سرسختی و صبوری است تا شرایط برای یک توافق عادلانه‌تر فراهم شود. نباید فراموش کرد که دولت کنونی و تیم دیپلماسی آن، از جمله شخص رئیس جمهوری پزشکیان در سفر اخیر به نیویورک و همچنین مذاکره‌کنندگانی چون دکتر عراقچی و دکتر لاریجانی، تلاش‌های گسترده‌ای را برای حل‌وفصل مسائل با طرف‌های غربی انجام دادند. آنان اختیارات لازم را داشتند و از انعطاف کافی نیز برخوردار بودند. هرآنچه از سوی ایران ممکن بود انجام شود، در این مسیر به کار گرفته شد. با وجود این، زیاده‌خواهی و سرسختی طرف مقابل مانع اصلی تحقق نتیجه بود.

این ناکامی نه ناشی از کم‌کاری دولت ایران، بلکه محصول سیاست‌های خصمانه و غیرمنطقی آمریکاست. امید آن است که در آینده نه چندان دور، این زیاده‌خواهی در برابر مقاومت و ایستادگی ملت ایران رنگ ببازد و شرایط برای شکل‌گیری توافقی واقع‌بینانه و متوازن فراهم شود. بنابراین باید گفت اگر به دنبال فهم درست سیاست خارجی هستیم، باید از دام دولت‌ستیزی بیرون بیاییم. دیپلماسی میدان یک‌نفره نیست؛ بلکه صحنه‌ای است که طرف مقابل نیز نقش تعیین‌کننده‌ای دارد. تنها با درک این واقعیت می‌توان از قضاوت‌های شتاب‌زده پرهیز کرد و مسیر درست را برای آینده ترسیم نمود.

پزشکیان همه کاری کرد

حسن رسولی
عضو بنیاد امید ایرانیان

فعال شدن سازوکار ماشه، فارغ از اعتقاد ما به نادرست و غیرقانونی بودنش، رویدادی نبود که غیرقابل پیش‌بینی باشد. آنچه طی ماه‌های قبل از روی کار آمدن دولت آقای پزشکیان در حوزه سیاست خارجی و مشخصاً در پرونده هسته‌ای ایران رخ داد، در حد پیش‌بینی کارشناسان حرفه‌ای و مطلع، مسیری بود که به این نقطه ختم می‌شد. این مرحله‌ای که ایران در آن قرار دارد، یک نقطه تصادفی نیست؛ فرآیندی طی شده است تا ما به چنین شرایطی رسیده‌ایم. از نیمه دهه ۸۰ شمسی و در دولت نهم نوعی بدفهمی و فقدان درک روابط پیچیده قدرت در عرصه جهانی شکل گرفت که در امتداد خود با همه تلاش‌ها ما را به این نقطه رساند. کنفرانس هولوکاست و بی‌تأثیر و کم‌اهمیت دانستن سازوکارهای بین‌المللی که به صدور قطعنامه‌های تحریمی علیه ایران منتهی می‌شد و جهت‌گیری‌های بعد از آن مجموعاً مسیری فراهم کرد که منافع ملی در این حوزه وارد شرایط بحرانی شد.

پزشکیان نه تنها در رساندن کشور به این نقطه سهمی نداشته است، بلکه در جهت رفع این تهدیدهای مهم مواضع آشکار و شفافی اتخاذ کرده است. نقطه اوج موضع‌گیری‌های رئیس جمهوری را می‌توان در شعارهای انتخاباتی انتخابات سال گذشته جست‌وجو کرد. دکتر پزشکیان با درک صحیح مناسبات قدرت جهانی و آگاهی از شرایط واقعی سیاست داخلی، دو هدف راهبردی مهم را به عنوان مقاصد دولت خود در دو حوزه داخلی و خارجی بیان کرد و توانست با تکیه بر آنها رأی اکثریت را کسب کند. او وعده داد در صورت ریاست قوه مجریه، در داخل به وفاق و توافق‌سازی مبادرت بورزد و در عرصه جهانی به تعامل مثبت و عزتمندانه. اگر کشور با آسیب‌های گذشته مواجه نبود و در آغاز یا میانه راه بودیم، می‌توانست این دو رویکرد مانع بروز تهدیدهای فعلی بشوند. همچنین اگر وفاق در داخل نه فقط هماهنگی بین ارکان قدرت، بلکه در اصلاح روابط ملت با دولت به نحو مکفی انجام می‌شد، امروز از سرمایه اجتماعی بیشتری برخوردار بودیم. البته در برخی موارد پزشکیان توانست با همراه‌سازی ارکان قدرت به وعده‌های خود عمل و از تعمیق شکاف‌های اجتماعی جلوگیری کند که اگر جز این بود احتمالاً در دوره جنگ دوازده روزه، شاهد این حد از تاب‌آوری مردم نبودیم.

دولت در حوزه سیاست خارجی نیز اعلام کرد جمهوری اسلامی ایران خواهان مذاکره است و سیاست نزدیک شدن به همسایگان را دنبال کرد. در این مسیر امروز رابطه ایران با ۱۶ کشور همسایه نسبت به قبل بهبود یافته است.

اما در موضوع مذاکرات، عامل به بن‌بست رسیدن، نه نخواستن دولت یا اراده نداشتن ایران، بلکه عامل بیرونی یعنی صهیونیسم بین‌الملل بود که با تحمیل جنگ اخیر به ایران مانع جدی ایجاد کرد. دستگاه دیپلماسی دولت حتی در سفر اخیر نیویورک اعلام کرد آمادگی مذاکره دارد، اما به دلیل توازن قوا در شرایط مطلوب نبودیم. وجود ناترازی‌ها در عرصه‌های اقتصادی، فرهنگی و سیاسی سبب شد نتوانیم موفقیت‌آمیز عمل کنیم. بنابراین فکر نمی‌کنم وجدان عمومی جامعه و کارشناسان، کوتاهی ادعایی پزشکیان و دولتش را عامل وقوع «اسنپ‌بک» و مسائل وابسته به آن بدانند. بالعکس این پزشکیان بود که توانست در همین یک سال با اعتمادسازی در مراجع تصمیم‌گیری و همراهی سران قوا صدای واحدی از ایران به جهانیان بفرستد.

جریان اصلاحات همچنان از آقای پزشکیان که نامزد تأیید شده جبهه اصلاحات در انتخابات بود دفاع می‌کند. البته این دفاع همراه با نقد و گوشزد کردن اشتباهات احتمالی است. جامعه اصلاح‌طلب انتظار دارد در عرصه بین‌المللی و بویژه روابط خارجی، قدم‌های باقی‌مانده برای تقویت وحدت و سرمایه اجتماعی دولت برداشته شود. انتظار می‌رود آقای پزشکیان که به اصول حقوق ملت پایبند است، از طریق اصلاح حکمرانی برخی عوامل داخلی بروز ناراضایتی‌ها را کاهش و همراهی مردم و حاکمیت را افزایش دهد.

متأسفانه برخلاف انتظار و حتی اشارات صریح رهبر معظم انقلاب به حفظ انسجام ملی بعد از جنگ اخیر، در حوزه‌های اجتماعی و سیاسی اقدام قابل توجهی دیده نشده است. اینکه در روزهای اخیر برخی اعضای هیأت رئیسه و مجمع عمومی جریان اصلاحات به دلیل صدور بیانیه‌ای دلسوزانه به مراجع قضایی احضار شده‌اند در تعارض با آن خواست اصلی حفظ انسجام است. به همین دلیل در قالب تلاش‌های بی‌وقفه رئیس جمهوری برای اصلاح امور، امیدواریم ایشان با استفاده از اختیارات قانونی، جلوی این اقدامات غیرمفید را بگیرند.

وزیر دفاع گفت صحبت از احتمال جنگ دوباره اسرائیل علیه ایران، عملیات روانی است

باید زندگی کنیم

گزارش

وزیر دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح کشورمان، این بار به جای تکیه بر دفاع سخت‌افزاری و متکی بر تجهیزات نظامی، از دفاع نرم‌افزاری گفت. سرتیپ عزیز نصیرزاده این دفاع نرم‌افزاری را در واکنش به بمباران خبری رسانه‌های خارجی، فارسی زبان و غیرفارسی زبان مطرح کرد که سعی دارند «شایعات تجاوز مجدد» رژیم اسرائیل به ایران را همچون یک «جنگ قریب الوقوع» تازه نگه دارند.

اظهارات وزیر دفاع کشورمان در شرایطی مطرح می‌شود که در روزهای اخیر رسانه‌های فارسی زبان خارج‌نشین و رسانه‌های غربی دیگری که از سرزمین‌های اشغالی خط می‌گیرند، با انتشار شایعات هدفمند، به‌ویژه تمرکز بر ادعای «حمله قریب‌الوقوع» اسرائیل تلاش می‌کنند

فضای روانی جامعه ایران را ملتهب و زندگی روزمره مردم را مختل کنند. در واکنش به این امر، امیر سرتیپ خلبان عزیز نصیرزاده پس از بازگشت از سفر به ترکیه که طی آن با وزیر دفاع همسایه شمال غربی دیدار کرده بود، بر ضرورت هوشیاری مردم و مسئولان در برابر جنگ روانی تأکید کرد و خواستار حفظ آرامش و تداوم فعالیت‌های روزمره شد.

سرتیپ نصیرزاده، عملیات روانی دشمن را بخشی از جنگ مدرن دانست که با هدف ایجاد اضطراب و برهم زدن ثبات اقتصادی طراحی شده است.

وزیر دفاع گفت: «این اقدامات صرفاً برای ایجاد معضل در جامعه و مختل کردن پیشرفت کشور صورت می‌گیرد.» وی پس از این توضیحات، مردم را به ادامه زندگی عادی و تمرکز بر فعالیت‌های اقتصادی فراخواند و تأکید کرد که «نباید اجازه داد این جوسازی‌ها، روند توسعه کشور را تحت تأثیر قرار دهد.»

وزیر دفاع اطمینان داد که «نیروهای مسلح ایران، با آمادگی کامل، وظیفه دفاع از کشور را برعهده دارند و در هر شرایطی از تمامیت ارضی و استقلال ایران حفاظت خواهند کرد.»

نصیرزاده با اشاره به تحرکات نظامی برخی کشورها، از جمله ترابری تجهیزات از سوی امریکا در منطقه، برآمادگی دائمی نیروهای نظامی ایران تأکید کرد و گفت که «این آمادگی بخشی از وظیفه همیشگی نیروهای مسلح است.»

> وزیر دفاع: نباید اجازه داد این جوسازی‌ها، روند توسعه کشور را تحت تأثیر قرار دهد

در مجموع، سخنان نصیرزاده آرامش خاطری برای جامعه ایران است که با حفظ انسجام، آرامش و اعتماد به توانمندی‌های نیروهای مسلح، جنگ روانی که در روزهای اخیر راه افتاده را جدی نگیرند. مضافاً اینکه منظور وزیر دفاع در زمینه درخواست از مردم مبنی بر اینکه «باید به زندگی خود بپردازیم»، نوعی دعوت به دنبال کردن همه برنامه‌های عادی کشور، اعم از برنامه‌های دفاعی و نظامی، تا برنامه‌های اقتصادی و فرهنگی و اجتماعی است. یعنی همه آنچه تکاپوهای روزانه یا سالانه هر کشوری محسوب می‌شود. پیش‌تر «ایران» در شماره پنجشنبه گذشته به مسأله این جنگ روانی که از سوی رسانه‌های غربی و فارسی زبان خارجی دنبال می‌شود پرداخت و نوشت که «احتمال وقوع جنگ نباید به قیمت فلج کردن جامعه، کاهش اعتماد به نفس ملی یا تسلیم در برابر فشارهای روانی خارجی تمام شود. بویژه اینکه جامعه ایران با تکیه بر تجربه‌های تاریخی و معاصر خود، از جمله جنگ تحمیلی هشت ساله رژیم بعث و حالا ۱۲ روز جنگ با اسرائیل، درک ملموسی از مفهوم جنگ، پیامدهای آن و چگونگی مدیریت بحران‌ها دارد.»

یادداشت

فرشید فرحناکیان
دکترای حقوق نفت و گاز

پایان جهانی‌سازی بی‌مرز داده‌ها

تحلیل ژئوپلیتیکی تصمیم دولت ترامپ برای واگذاری تیک‌تاک به سرمایه‌گذاران آمریکایی

فرمان اجرایی دونالد ترامپ در ۲۵ سپتامبر ۲۰۲۵ (۳ مهر ۱۴۰۴) با عنوان «نجات تیک‌تاک در عین حفاظت از امنیت ملی با عنوان Saving TikTok While Protecting National Security»، نقطه عطفی در مواجهه دولت ایالات‌متحده با پلتفرم‌های فناوری خارجی محسوب می‌شود. این فرمان، واگذاری بخش آمریکایی تیک‌تاک از شرکت چینی بایت‌دنس (ByteDance) به کنسرسیومی از سرمایه‌گذاران آمریکایی را نهایی کرد و به یکی از مناقشه‌برانگیزترین پرونده‌های روابط فناوری و سیاست بدل شد.

فراتر از یک معامله تجاری، این تصمیم را باید در چهارچوب تحولات بنیادین نظم اقتصاد جهانی در حوزه فناوری تحلیل کرد؛ نظمی که در آن «داده»، «الگوریتم» و «کنترل اطلاعات» به منابع جدید قدرت ملی تبدیل شده‌اند.

در دهه‌های اخیر، جهانی‌سازی دیجیتال با شعار آزادی جریان اطلاعات، زیرساختی برای رشد شرکت‌های چندملیتی و تعاملات فرهنگی جهانی فراهم کرده بود. پلتفرم‌هایی چون گوگل، متا و تیک‌تاک، مرزهای سیاسی را پشت سر گذاشتند و «اقتصاد داده‌محور» را به واقعیتی جهانی تبدیل کردند. ماجرای تیک‌تاک در ایالات‌متحده اما نقطه گسستی در این روند است؛ نقطه‌ای که نشان می‌دهد دوره بی‌مرزی داده‌ها رو به پایان است و مفهوم «حاکمیت دیجیتال» در حال شکل‌گیری است.

تغییر مسیر آمریکا در قبال تیک‌تاک، فقط یک تصمیم اقتصادی نبود، بلکه پاسخی راهبردی به پرسشی بنیادین بود: «داده‌های کاربران تا چه حد باید آزادانه در جهان جابه‌جا شوند؟»

ایالات‌متحده، با تکیه بر قانون «حفاظت از آمریکایی‌ها در برابر برنامه‌های تحت کنترل دشمنان خارجی» (مصوب ۲۰۲۴)، عملاً از حق حاکمیت خود برای بازتعریف مرزهای داده بهره گرفت. دولت ترامپ به جای ممنوعیت کامل پلتفرم، گزینه‌ای میانه را برگزید: کنترل داخلی عملیات تیک‌تاک در آمریکا از طریق واگذاری سهام به کنسرسیومی از سرمایه‌گذاران آمریکایی.

در این میان، شرکت اوراکل به عنوان «نگهبان الگوریتم» معرفی شد؛ تصمیمی که نشان می‌دهد امنیت داده، به اندازه امنیت نظامی، به بخشی از سیاست ملی بدل شده است. این مدل، نه حذف فناوری بیگانه، بلکه بومی‌سازی اجباری آن است؛ مدلی که می‌تواند مبنای سیاست‌های آینده آمریکا و دیگر قدرت‌ها شود.

«حاکمیت دیجیتال» (Digital Sovereignty) مفهومی است که در دهه گذشته، بیشتر در سیاست‌های اتحادیه اروپا (مانند مقررات GDPR) مطرح بود. ایالات‌متحده که سال‌ها مدافع آزادی مطلق جریان داده‌ها بود، اما اکنون با پرونده تیک‌تاک عملاً همین مسیر را در قالبی آمریکایی دنبال کرده است.

در این چهارچوب، ۳ ویژگی اصلی قابل‌مشاهده است: (۱) ملی‌سازی زیرساخت داده، به این معنی که ایالات‌متحده با الزام تیک‌تاک به ذخیره‌سازی داده‌ها در داخل کشور، اصل «محل‌مندی اطلاعات» را تثبیت کرده است. (۲) مالکیت بومی الگوریتم، اینکه الگوریتم تیک‌تاک به عنوان دارایی راهبردی، تحت نظارت مستقیم شرکت آمریکایی اوراکل قرار گرفته است و (۳) کنترل استراتژیک بدون مداخله دولتی مستقیم که در آن، دولت نقش ناظر امنیتی را دارد، اما اجرا به بخش خصوصی سپرده شده است؛ مدلی که از نظر سیاسی کم‌هزینه‌تر اما در عمل مؤثرتر است.

منتقدان این سیاست را نشانه‌ای از «ملی‌گرایی فناورانه» (Technological Nationalism) می‌دانند که می‌تواند آزادی بازار دیجیتال را محدود کند. در سوی دیگر اما حامیان آن معتقدند بدون کنترل داده، استقلال ملی در عصر دیجیتال ممکن نیست. این دوگانه، اکنون به محور اصلی سیاست فناوری جهانی بدل شده است. پرونده تیک‌تاک نشان داد حتی کشوری که پیش‌تر مدافع جهانی‌سازی فناوری بود، در مواجهه با تهدیدات ادراک‌شده از سوی چین، حاضر است اصول بازار آزاد را برای حفظ حاکمیت داده‌ها بازتعریف کند. از این منظر، آمریکا به همان سیاستی روی آورده که پیش‌تر آن را به چین و روسیه نسبت می‌داد: «فناوری در خدمت حاکمیت ملی.»

روشن‌ساز کلام: بازترسیم نقشه داده در جهان

ماجرای تیک‌تاک صرفاً یک معامله تجاری نیست؛ نقطه عطفی در گذار از نظم بازِ داده‌ها به نظم مبتنی بر کنترل و منشأ مالکیت است. در جهان جدید فناوری، داده نه‌فقط ابزار رشد اقتصادی؛ بلکه مؤلفه‌ای از قدرت ملی است. از این پس کشورها در سیاست‌گذاری دیجیتال، با پرسشی جدید روبه‌رو هستند: آیا آزادی داده را قربانی امنیت خواهند کرد، یا خواهند توانست میان این دو، تعادلی پایدار برقرار کنند؟

معامله تیک‌تاک در سال ۲۰۲۵ را باید لحظه‌ای سرنوشت‌ساز در تاریخ نظم دیجیتال دانست؛ لحظه‌ای که در آن، ایده جهانی‌سازی بی‌مرز فناوری جای خود را به منطق حاکمیت ملی داد. در این چهارچوب، دولت‌ها به بازیگران اصلی امنیت داده، تنظیم محتوا و تعیین مالکیت الگوریتم بدل شده‌اند. اگرچه این روند در کوتاه‌مدت به تقویت امنیت ملی کشورها می‌انجامد؛ اما در بلندمدت خطر ایجاد «بلوک‌های داده‌ای» و تجزیه اینترنت جهانی به حوزه‌های نفوذ ملی را در پی دارد. از این منظر، تصمیم ترامپ بیش از آنکه صرفاً معامله‌ای اقتصادی باشد، نمادی از تغییر بنیادین در مفهوم قدرت در قرن دیجیتال است: قدرت، دیگر نه در تصاحب خاک، بلکه در کنترل داده‌ها نهفته است.